

۱۱۰۱۴۵۴

برادر درویش

نویسنده نامه با استناد به مدارک که در دسترس است
و کتاب (احکام و مشروطیت ایران) (مراجع ایران ندرت)
ا. م. س. - الواف و کتاب (جمال بنی و حبیب)
اجتماعی در ایران (ا. م. س. طری) - مدعی نه است
که وجه مشترک است بین قیام (حسن صباح) و
اسماعیلیه و (سید محمد علی باب) و قیام اسلامی ملت ایران
به رهبری امام جمعی



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۱۱۰۱۴۵۴

در جامعه کنونی افراد و گروه‌هایی با وجود دارند
که انتظار ایندولورزی و سیاسی از بعدهای منفوس
به خود می‌نگرند مثلاً همین گروه فرغان که این روزها
در سبزبانجام با شد با اطلاعی که من دارم قیام
خزاد را یک انقلاب می‌دانند در صورتیکه خود ادی
دگرگونی‌ها می‌کنند و مثلاً این گروه فرمان قیام
مشروطیت را یک کودتای دنیای پس به لحاظ تخریب
و مت‌هدات محیی از این نوع افراد و گروه‌ها که
از یک بعد منفوس به مسائل می‌نگرند در جامعه باید
مواجه نشود و این نویسنده هم فکر می‌کنم از این
گروه ناهیده می‌باشد.

بعنوان انسانی آزاد که در مسیر آموزش علوم الهی بوده و در یکی از مدارس مذهبی بتحصیل علوم اسلامی اشتغال دارم وظیفه دینی و انسانی خود دانسته در این مقطع از زمان و نظم نتیجه تحقیقات و پژوهش علمی خود را درباره (انقلاب اسلامی) به اطلاع هموطنان و جوامع علمی و انتشاراتی سایر سرزمینهای دیگر برسانم زیرا معتقدم مبارزه و اعتراض شیوههای خاص و ویژه ای دارد که هر انسان را بر اساس مدار طرز تفکرش مجبور میسازد طریقی را انتخاب و بدنبال آن جهت یابی و ریشه یابی نماید چون ذاتا ، انسانی هستم صلحدوست لذا شیوه مبارزاتی خود را از راه تحقیق و تطابق مطالبه کتب و نشریات برگزیده و سعی داشتم ماهیت (شورش) حاضر ایران را که يك حرکت با بیگری است روشن گردانم .
در چند سال اخیر در سرزمین من موجی پر حرکت و پیر توان در جهت ایجاد و استقرار موازین اسلامی شروع به تکامل نمود ماین حرکت در آغاز موبد راستی ها و درستی ها و انسان دوستی و رفع ظلم و ستم از درماندگان بود ، همگان همانند تشنه ها یخته به این سراب پر آواز روی آوردند بدون آنکه از محتوی فکری و ذهنی این حرکت آگاهی داشته باشند زیرا در آغاز فقط يك مبارزه بود .
در کتاب فراماسونری جلد اول صفحه ۱۸۶ مینویسد :

بردگی و پادشاهی همانند نادانی و پستی دوام معینی دارد و آزادی نعمتی است که برای توده مردم مناسب نیست ولی فراماسونها در ظاهر اعلام مینمایند که آنان محرك توده های مردم بوده و نه تنها پیشرو طبقات افراطی شورشیان هستند بلکه محرك سمتهای ایده الوژیک و تصورات ذهنی نیز بوده اند در صفحه ۱۸۷ کتاب اشاره میشود به اینکه جهت مبارزه بر علیه حکومت باید از کمیته های انقلابی استفاده شود و اعضا کمیته ها باید یکدیگر را (برادر) بنامند و این افراد برای نشر عقاید فلسفی و علمی خویش باید جمعیت های سری بوجود آورند .
همانند این دستور طرفداران با بیگری در ایران نیز اقدام به ایجاد سازمانها و جمعیت های سری در ایران کردند و این سازمانهای سری عبارتند از :

امت واحد - توحیدی بدر - توحیدی صف - فلاح - فلق - منصورون و موحدین که هدف خود را پاسداری و گسترش انقلاب اسلامی اعلام کرده اند (اطلاعات شماره ۱۵۸۳۳ مورخ ۱۳۵۸/۱/۱۸) .
شبهه این تشکیلات نیز در گذشته توسط حسن صباح موسس فرقه اسماعیلیه بوجود آمده بوده و در جمعیت های سری خود بنام (اخوان الصفا - شعبیه) به تبلیغ آراء و عقاید اجتماعی خود مشغول بودند و بدو گروه ویژه تقسیم شده بودند ، یکی رسوخ در افکار را مفید تر از جنبش های مسلحانه تشخیص میداد و دیگری راه جنگهای مسلحانه را در پیش گرفت (کتاب فراماسونری ج - اول صفحه ۲۲۴)
گروه اول بیشتر شعر میسرود و خطابه میخواند و سخنرانی و وعظ مینمود و در خلال آنها با استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی به ضد حکومت تبلیغ میکرد با شناخت این چنین طرز تفکر مذهبی و سیاسی بود که آقای روح اله - خمینی نیز وارد مبارزه گردید و با توجه به چگونگی راه حسن صباح و طرز سازماندهی سری او اقدام به فعالیت های با اهر سیاسی و در باطن با بیگری پرداخت و نقشهای بسیار زیرکانه برای رسیدن به هدفهای خود طرح نمود و خود را در صف و جرگه (فقها) در آورد .
(کتاب فراماسونری صفحه ۲۲۷) آقای خمینی با الهام گرفتن از طرز کار حسن صباح و ایجاد مثلث قدرت (کتاب کیش شخصیت مبحث پنجم - روشها صفحه ۳۱ اثر ابوالحسن بنی صدر) مردم را تحریک و آماده میکرد که در شبها و هنگام اجتماع به تظاهرات و اعتراض بپردازند (کتاب فراماسونری جلد اول صفحه ۲۲۷) در صورتیکه آقای خمینی همواره در طی صحبتها ، نطقها و نوارها و نوشته های خود ابراز میداشت باید استقامت داشت و به پیشرفت تا بموفقیت های معنوی رسید به امور معنوی بیش از امور ظاهری ارزش داد و همه برادر و برابر و فقط و فقط کرامت در پناه تقوی و برتری به اخلاق فاضله و اعمال صالحه هست (پیام خمینی بمناسبت روز ۱۲ فروردین روز نخستین حکومت اله روزنامه کیهان شماره ۱۰۶۷۳ مورخ ۱۳۵۸/۱/۱۴ صفحه ۳)

که مشخص کننده طرز تفکر سیاسی او میباشد .

حسن صباح که موسس فرقه صباحیه در ایران است دارای عجره‌ای هست که نسب او را به تاج‌الملک مستوفی میرساند و در کتاب تلخیص از زندگی قاعد اعظم امام خمینی اثر مسعود فخامی در صفحه ۲۰ مینویسد که خواهر راده ایشان حاجیه انیس الملوك مستوفی میباشد و جد ایشان در داودآباد خمین که نزدیک است به (مطلات) به کشا ورزی اشتغال داشته (صفحه ۹ کتاب موصوف) ، البته تعجب آور نیست که پرنس کریم آقا خان محلاتی رئیس فرقه اسمعیلیه در طی نامه‌ای تقاضای عفو (امیرعباس هویدا) را از آقای خمینی مینماید زیرا طبق تحقیقاتی که آقای ابوالفضل قاسمی در کتاب خود بنام هویدا گماشته امپریالیسم و صهیونیسم نموده به سوابق خانوادگی هویدا توجه کرده و مینویسد که :

خانبا با خان سردار (محمدحسن خان) در ترور بابیان علیه ناصرالدین شاه شرکت فعالانه داشته است و پدر او حبیب‌الله خان عین‌الملک در کشورهای عربی به گسترش بهائی گری پرداخته است (کیهان شماره ۱۰۶۷۲ مورخ ۱۳۵۵/۱/۱۰ صفحه ۶) .

در این متن مختصر ملاحظه میگردد که رئیس فرقه اسمعیلیه که خود عامل و پدیدار کننده نوعی از جنبش بابیگری در ایران است از (نائب امام زمان) تقاضای عفو میکند در صورتیکه ما میخوانیم که جنبش فاطمیه مصر مبدا حرکت فکری فرقه اسمعیلیه بوده و حسن صباح مأمور توسعه این فرقه از سوریه تا خراسان شد (کتاب فراماسونری جلد اول صفحه ۳۳۲) حسن صباح در سال ۱۰۸۰ میلادی ایران وارد و شروع بفعالیت مسلک خود نمود و نزد حاکم گردکوه دامغان رفت و رئیس مظفر مستوفی جد بزرگ فامیل مسوفی دعوت حسن صباح را قبول کرد و عملاً این خانواده از آن زمان به فرقه اسمعیلیه پیوستند . حسن صباح برای اجرای نظریات خود بسته‌ای را بنام (فدائیان) بوجود آورد (کتاب فراماسونری جلد اول صفحه ۳۳۳) و با ترور افراد به ایجاد رعب و وحشت در بین مردم نمود همانگونه که در حاضر گروه موحدین و توحیدی وابسته به فرقه فدائیان اسلام که خود دنباله رو فرقه اسمعیلیه هستند بوجود آورده و بقتل و کشتار افراد مخالف و یا سرشناس میپردازد ، بطوریکه حاج مهدی عراقی رهبریک گروه افراطی اسلامی در تاریخ ۸/بهمن ماه / ۱۳۵۷ در پاریس اظهار داشت تا بحال سازمان تروریستی آنها ۳ نخست وزیر ایران بناهای عبدالحمین هژیر - سپهد حاج علی‌رزم آرا - حسنعلی منصور را اعدام کرده و این گروه سپس در تهران ترور غلام حسین دانشی نماینده مجلس شورای ملی را نیز بعهده گرفت . (روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۷۰ مورخ ۸/بهمن / ۱۳۵۷) .

در شرایط فعلی این تروریست حرفه‌ای یکی از نزدیکترین مشاور آقای خمینی میباشد و حتی در سفره غذا در کنار آقای مهندس مهدی بازرگان و سایر وزیران کابینه دولت موقت در شهر قم و در منزل آقای خمینی نشسته و با بست به غذا خوردن مشغول بود و کلیه جنایاتی که تحت عنوان (انقلاب اسلامی) در ایران صورت میگیرد با طرح و برنامه ریزی و اجرای این قاتل حرفه‌ای صورت میگیرد ، البته قابل توضیح است که در زمان حسن صباح نیز واحدهای قاتل و تروریست بقتل و کشتار آن زمان مردم ایران میپرداختند و واقعا نامی که اروپائیان بیه حسن صباح و یارانانش یعنی (آدمکش) داده بودند برحق است و امروز نیز یاران صدیق آقای خمینی مانند (ابراهیم یزدی و حاج مهدی عراقی) نیز همان (اساسن) یا (آدمکش) هستند . آقای خمینی نیز مانند سلف خود سیستمی را برای خویش انتخاب کرده که دارای ۲ گروه میباشد که عبارتند از (فدائیان) و (مجاهدین) این افراد پس از گذراندن دوره‌ای تروریستی چه در ایران و چه در فلسطین میبایستی خود را کاملاً در اختیار جنبش بگذارند و قسم یاد کنند که هیچیک اطلاعات خود را به احدی بازگو نکنند و اصول رازداری را که سرلوحه مرام ماسونی است رعایت بنمایند (کتاب فراماسونری جلد اول صفحه ۳۳۲) موضوع جالب توجه آنست که در سلسله مراتب اسمعیلیان همواره عدد (۹) تکرار میشود و در حال حاضر نیز کلیه دستورات آقای خمینی و پیشنهادات و هیئتها و کمیته ها ۹ گانه هستند و در فرقه اسمعیلیه مراتب ۹ گانه حد نهائی خود را بنام (امام) خاتمه میدهند و جای هیچ تعجبی نیست آقای خمینی نیز (امام) نامیده میشود - (کتاب فراماسونری جلد اول ۳۳۶-۳۳۷) آموزش در سیستم تروریستی فعلی نیز مانند دوران حسن صباح و عبدالله عنان (۹) مرحله است و بطور مختصر عبارتند از آشنائی با کتب - تجزیه و تحلیل فلسفی - بررسی دگماتیسم مذهبی - شناخت امام

زمان که در صفحه ۳۳۸ کتاب فراماسونری ملاحظه شد خانواده نسبت عبارتند از آدم - ابراهیم - اسماعیل

موسی - مسیح - محمد - پیغمبر عرب و سپس محمد بن اسماعیل گه آ - ی خمینی هیچگاه در طول سخنرانی‌های خود هیچگاه از (المهدی) نام نمیبرد و حتی خانه خدا یعنی کعبه و نجف اشرف و سایر اماکن متبرکه که در خارج از ایران قرار دارند زیارتشانرا ممنوع ساخته و میگوید مردم عرب و مسلمانها عرب اهل (عصمت و طهارت) نیستند و این مشخص کننده آنست که او مهدی را بعنوان امام زمان نمیداند بلکه محمد بن اسماعیل جد بزرگ فرقه اسمعیلیه را تایید میکند و خود را نائب امام زمان میداند و مسئله توحید را عرضه میکند و اشاره به اصل سیاست توحیدی و اقتصاد توحیدی و غیره مینماید و در مقیاس کلی اصل (وحدت کلمه) را بکار میبرد از وحدت فکر و تفکر صحبت نمیکند زیرا وحدت کلام ناشی از تجمع افراد با ایده های مختلف در یک مکان است که جمود فکری را پدید میآورد و کثرت را جانشین وحدت و جمود را جانشین حرکت و تکرار را جانشین تکامل تعادل و هماهنگی را جانشین نبرد و تنازع میکند (کتاب برخی بررسیها درباره جهان بینی ها و جنبشهای اجتماعی در ایران سال ۱۳۴۸ از انتشارات حزب توده ایران اثر احسان طبری صفحه ۲۹۳ - دیالکتیک)

در صورتیکه وحدت ایده الوژی ایجاد سازندگی و حرکت مینماید ولی طبق تعالیم حسن صباح و بابیان افراد باید بطور کامل در اختیار نائب امام زمان خود باشند (کتاب فراماسونری ج - اول صفحه های ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ در مورد فدائیان) زیرا این افراد اعتقاد داشتند اصل معرفت معرفت امام زمان است و خدا شناسی و جهان شناسی نیز به عقل نیست بلکه بتعلیم امام است پس آدمیزاد را معلمی باید و آن معلم که راهنمای جان ما هست امام زمان است (کتاب احسان طبری صفحه های ۲۲۷ و ۲۲۸) پس ملاحظه میشود که امام حاضر خود اصل کلی است و توده مردم ذراتی بدور او هستند.

حسن صباح چون اعتقاد به جهان وطنی بودن مسلک خود داشت هیچگاه از سرزمین بخصوصی دفاع نمیکرد و در شرایط حاضر نیز امام از تراز اسلام جهانی صحبت میکند و به راحتی نام خلیج فارس را بنام خلیج اسلامی تغییر میدهد در کتاب فراماسونری در صفحات ۳۳۸ و ۳۳۹ مینویسد:

تمام صفات الوهیت و نبوت را باید نقض کرد زیرا رسولان حقیقی رسولان عمل هستند که شئون دینی و دنیوی را مورد توجه قرار میدهند و ایجاد حکومت ایده آلی مینمایند سپس بر روشنفکران است که تمام اوها و دینی را بدور ریخته و بدانند که ابراهیم و موسی و مسیح و دیگر انبیاء مردانی روشنفکر بودند که در مسائل فلسفی و اجتماعی اجتهاد پیدا کردند فراماسونری لژ بزرگ فرانسه تا امروز نیز ۹ درجه حسن صباح را در داخل سازمان خود حفظ کرده اند و همچنانکه کمونیستها دین و مذهب را نفی کردند و مانند مزدکیان موضوع زن و مرد را امر حل شده دانستند آنها نیز اصول صباچیان را پذیرفتند درباره امور جنسی و دین میگویند (تفاوتهای جنسی و مراتب بین مردم محو شود) سخنرانی آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر در دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه تهران در مورد روابط جنسی و کروموزوم ضمنا باید تفاوتهای مذهبی و آراء وطن محو گردد متعصب از بین برود و پای جنگ از میان برداشته شود و بالجمله از جنس بشری خانواده واحدی درست شود که عامل وحدت بین آنها مهر و اخلاص و کار باشد جای بسی شگفتی است که حزب توده ایران و روسای آن در طی گفتارها و مقالات خود از موضع اسلامی جهان وطنی دفاع کرده اند (روزنامه کیهان شماره ۱۳۵۷/۱۲/۲۴ شماره ۱۰۶۶۲):

کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام میدارد که در مورد نام جمهوری ما به همان ترتیب که آیتاله خمینی مسئله را مطرح میکنند یعنی (جمهوری اسلامی) رای مثبت میدهیم.

آقای مهندس مهدی بازرگان در مصاحبه ای که با تلویزیون فرانسه انجام داد گفت فدائیان؟ و حزب توده در انقلاب فراموش نخواهند شد و مانند دیگران جای خود را خواهند داشت (اطلاعات شماره ۱۵۷۹۳ مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۶)

در تاریخ ۱۶/ بهمن / ۱۳۵۷ طبق اطلاع روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۷۷ آقای نورالدین کیا نوری دبیر اول حزب توده ایران با مجله نیوزویک چاپ آمریکا مصاحبه ای کرد و از خط مشی سیاسی و مذهبی آقای آیتاله - خمینی دفاع نمود و گفت من فکر نمیکنم هیچگونه تفاوت فوق العاده بین سوسیالیسم علمی و محتوای اجتماعی اسلام وجود داشته باشد.

در کتاب برخی بررسیهای درباره جهان بینی ها و جنبشهای اجتماعی ایران اثر احسان طبری سال ۱۳۴۸، در صفحات ۲۲۶-۲۳۳ در مورد جنبش اسماعیلیه مینویسد :

پس از جعفر صادق زعم شیعه ای اثنی عشری امام موسی کاظم امامت یافت ولی اسماعیلیه بر آن بود که امام برحق اسماعیل است و مینویسد که ابوعلی سینا نیز یکی از طرفداران فرقه اسماعیلیه بوده و اضافه میکند که اسماعیلیه هم از جهت ایده الوژیک و هم از جهت سازمانی و هم از جهت مفقیت های علمی یکی از جالبترین فرق مذهبی ، سیاسی و اجتماعی تاریخ است و از لحاظ ایده الوژیک جنبش اسماعیلیه موجی از اعتراض بر علیه خلافت بود ، در همین کتاب در صفحه ۲۸۴ مینویسد آخرین جنبش مهمی که در ایران رخداد جنبش بابیان است که بصورت يك الحاد و بدعت نوین علیه دین رسمی شیعه اثنی عشری بروز کرد و با بهارث گرفتن برخی از عقاید سنتی اجتماعی مانند ، مساوات طلبی ، و ... اندیشه حلول و تناسخ و در مواردی چند بازگشت بنوعی کمونیسم مزدکی در مورد مالکیت ، اما خصایص نوین برخی نظریات اصلاح طلبانه بسود بورژوازی شهر (بازارگانان و کسبه) بویژه سید محمدعلی یاب در آموزش دینی خود منعکس میکند و برای توحید رسالت خود باب مدعی شد که تاریخ را انوار است و در هر دوری پیمبری میاید و قوانین و شرایع کهن را منسوخ میسازد و عید نوروز را بعنوان عید مذهبی پذیرفت (در همین کتاب صفحه ۳۸۷) جای تعجب نیست که (امام) هم روز ۱۲ فروردین را بعنوان روز عید مذهبی تعیین میکند و آنرا روز امامت و ظفر مینامد و اعلام میدارد که صبحگاه ۱۲ فروردین روز نخستین حکومت (اله) است و از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست و ملت باید این روز را عید بگیرد و زنده نگهدارد (اطلاعات شماره ۱۵۸۱۹ مورخ ۱۳۵۸/۱/۱۲) .

سید محمد علی باب تحت تاثیر تعالیم فیثاغورثی و اخوان الصفا و اسماعیلیه بوده (صفحه ۳۸۹) و خود را تنها واسطه با امام زمان میدانسته است و پیشوایان دین و پیشکاران دولت را منشاء همه ستمها و همه رنج ها میدانند و باز جای شگفتی نیست که (امام) هم کلیه سران سیستم پادشاهی و سلطنتی ایران و گروه زیادی از روحانیون را منشاء خیانت و دزدی و رنج میداند و با دستور قتل عام آنان طبق گواهی نشریات روزانه تهران (کیهان و اطلاعات) بیش از ۳۰۰ نفر بدست حاج مهدی عراقی تیرباران شده اند .

سید محمدعلی باب اعتقاد داشت که پنج ایالت ایران یعنی آذربایجان ، اراک ، مخراسان ، فارس و مازندران مراکز بابیان خواهد بود و از آنجاست که نهضت مقدس شروع میشود و بر کافراقت و خارجیان فائق خواهد آمد . (کتاب احسان طبری صفحه ۲۸۷) .

باز هم جای تعجب نیست که نهضت اسلامی از تبریز - اصفهان - مشهد - شیراز و رشت آغاز شد . احسان طبری در صفحه ۳۹۳ کتاب برخی بررسیها درباره جهان بینی ها و جنبشهای اجتماعی در ایران مینویسد :

جنبش انقلابی بابیه که در آن تمایلات طبقاتی بورژوازی در حال رشد و خواستهای دمکراتیک پیشه وران و دهقانان منعکس بود از لحاظ شمارها و شیوه های عمل خود يك فصل روشن در تاریخ قیامهای دلاورانه خلقهای ایران علیه شاهان و اشراف فئودال است و بابیان مانند ابالباب ، قدوس محبت ، دارابی و ظاهره از سیماهای شگرف و تابناك جنبش انقلابی ایران هستند پس نتیجه گیری میشود کلیه اتفاقات اخیر ایران دارای ریشه با بیگری است و این جنجال در خدمت بابیان است و بس .

اما خمینی در پیامی که در روز ۱۳۵۸/۱/۱۲ از رادیو و تلویزیون ایران فرستاد گفت :

جمهوری اسلامی باید به دولتهای خدمت کند که در جهت ملتها هستند و من امیدوارم که همه دولتهای اسلامی با هم متحد شوند و دست اتحاد بیکدیگر بدهند .

این بیان درست همانند گفته سید جمال الدین اسدآبادی است که در راه ایجاد اتحاد ملل مسلمان و

ایجاد امپراطوری اسلامی بر اساس (پان اسلام) میباشد و لکن پان اسلام را بمثابة جریانی
آرزیابی میکند که با تحکیم موقعیت خانها و ملاکین و غیره جنبش آزادی بخشی بر علیه امپریالیسم
آمریکائی و اروپائی متشکل میسازد (کتاب انقلاب مشروطیت ایران اثر م. م. س. - ایوانف صفحه ۲۶)
م. س. ایوانف پرفسور ایران شناس شوروی در کتاب (تاریخ نوین ایران) که از انتشارات حزب توده
ایران است و آنرا احسان طبری ترجمه نموده مینویسد :

اکثر عوامل سیاسی خارجی و قراردادهای غیر عادلانه و ظالمانه کاپیتولاسیون و سایر امتیازات
و تسهیلات برای خارجیان که بایران تحمیل شده بود باعث گردید که تضادهای اجتماعی و نارضایت
توده های مردم در قیام ضد فئودالی جنبش بابیان در سالهای ۱۸۴۸ - ۱۸۵۲ شرکت نمایند .
(صفحه ۸ کتاب بالا)

اینک با طرح ریزی قبلی مشابه این شرایط را در ایران از قبل فراهم ساختند و با کمک خمینی که
وابستگی های متصل با فرقه اسمعیلیه و بابیان داشته است یک شبه جنبش اسلامی در ایران بوجود آوردند
و باید توجه داشت که هماهنگی حزب توده ایران با شخص خمینی یک امر ساده و اتفاقی نیست و این پیوند
دوگانه دارای ریشه های ویژه ای هست که پرفسور روس م. س. ایوانف در چندین جلد کتاب خود قبلا آنها
برشته تحریر در آورده است .

اگر حزب توده ایران در شرایط حاضر به خمینی در جهت اجراء هدفهای بورژوازی ملی و ساکن کردن مردم
در روستا و قراء کمک میکند بخاطر آنست که :

- ۱- کارخانجات ذوب آهن ایران سالیانہ حدود چند میلیون ضرر میدهد که نتیجه عدم محاسبه صحیح از
طرف کارشناسان روسی است و طبقا ۵۶۰۰۰ نفر کارگران این واحد صنعتی بیمار باید جذب روستاها شوند
- ۲- اتحاد جماهیر شوروی علاقمند نیست در کنارش یک کشور قوی صنعتی با نیروگاههای اتمی را تحمل نماید
که در صورت درگیری شوروی با چین بعنوان یک نیروی ضربتی در جهت سمت چین قرار گیرد .
در مقام پاسخگوئی باین همه محبت از طرف شوروی بخمینی او نیز اولین سفیر خود را بمسکو اعزام داشت
که شرح حال کامل و بیوگرافی او در نشریه (دنیا) ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوره دوم سال یازدهم شماره دوم تابستان سال ۱۳۴۹ در صفحات ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ درج یافته است .

جالب توجه است که این آقای سفیر نیز مسلمان یک دست نیست بلکه از مذهب (اهل حق) است .

امید است با این تحقیق مختصر دین خود را بجوانان وطن و علاقمندان بدین مبین اسلام ادا کرده باشم

تهران ۱۳۵۸/۱/۲۹

سید منصور - نجف ایران